


Original Article

Child Birth Right with Child Health and Social Benefit In Family Support Law of 2013

Tayyaba Emamian ^{1,*}, Robab Emamian ²¹ PhD Student in Theology, Quran and Hadith, Payame Noor Tehran South Tehran, Iran² PhD Student in Islamic Education, Quran and Texts, Faculty of Education, Shahr Rey Branch, Tehran, Iran

Citation Tayyaba Emamian, Robab Emamian, **Child Birth Right with Child Health and Social Benefit In Family Support Law of 2013**. *J. Law Political Stud.*, 2022, 2(3), 190-202.

 <https://doi.org/10.22034/ilps.2022.3.2>

**Article info:****Received:** 18 September 2022**Accepted:** 6 December 2022**Available Online:** 11 December 2022**ID:** JLPS-2209-1041**Checked for Plagiarism:** Yes**Keywords:**

Child Birth Right; Child Health; Social Benefit; Family Support Law of 2013.

ABSTRACT

Child Birth is concerned as a stable right for couples who can freely decide on the birth time, number, age gap of their children, and even nowadays related to their gender. Besides, any right to compliance deals with some restrictions. Similarly, the right of couples to the child birth should not hurt the child's health and social benefits, since the harmlessness rule limits couples in performing the mentioned right. Due to the fact that children are the most defenseless human beings, their support should be much more than that of adults so that their interests is among the fundamental principles mentioned in international laws and treaties, and all communities have to devise the appropriate mechanisms to maintain these principles. Another party in the category of child birth is society and its benefits. In the 2013 family support law, this issue is of high significance and in article 23 and its note; it has required couples to perform some tests to diagnose infectious diseases for couples and children. The mentioned article illustrates if the couple have any dangerous diseases for the fetus, care and supervision should include the reproduction prohibition. Although this article is an innovation and attention to all members of the family and society, after 7 years of its approval, it still has some ambiguities and lack of obvious resolutions from the competent authorities. Given that, the present study aimed to provide a correct explanation of the right to child birth by relying on legal principles as well as adhering to the rule of harmlessness and social order so that we can witness the birth of healthy children in near future.

حق فرزندآوری با سلامت کودک و مصلحت جامعه در قانون حمایت خانواده

سال ۱۳۹۱

طیبه امامیان^{۱*}، رباب امامیان^۲^۱ دانشجوی دکتری الهیات، گرایش علوم قرآن و حدیث، پیام نور تهران جنوب تهران، ایران^۲ دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش قرآن و متون، دانشکده معارف واحد شهر ری، تهران، ایران

Use your device to scan and read the article online



ارجاع طیبه امامیان، رباب امامیان، حق فرزندآوری با سلامت کودک و مصلحت جامعه در قانون حمایت خانواده سال

۱۳۹۱، نشریه حقوق و مطالعات سیاسی، دوره ۲، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۱: ۱۹۰-۲۰۲.

doi <https://doi.org/10.22034/jlps.2022.3.2>

چکیده



اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۷ شهریور ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۵ آذر ۱۴۰۱

تاریخ آنلاین شدن: ۲۰ آذر ۱۴۰۱

کد مقاله: JLPS-2209-1041

کلیدواژگان:

حق فرزندآوری، سلامت کودک، مصلحت جامعه، قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۱.

فرزندآوری حقی ثابت برای زوجین محسوب می‌گردد که آنان می‌توانند در رابطه با زمان تولد، تعداد، فاصله سنی فرزندان و حتی امروزه در رابطه با جنسیت آنان آزادانه تصمیم بگیرند. با این وجود هر حقی در مقام امتثال با محدودیت‌هایی همراه است. در همین راستا حق فرزندآوری زوجین نباید به سلامت کودک و نیز منافع و مصالح افراد جامعه ضرر وارد آورد؛ چراکه در اینجا قاعده لا ضرر موجب محدود شدن زوجین در اجرایی کردن آن حق می‌شود. کودکان بی‌دفاع‌ترین انسان‌ها می‌باشند و حمایت از آنان باید به مراتب بیشتر از بزرگسالان باشد و توجه به مصالح و منافع کودکان جزء اصول اساسی قوانین و معاهدات بین‌المللی محسوب می‌گردد و تمامی جوامع باید سازوکارهای مناسبی را برای حفظ این اصول تدبیر نمایند. دیگر ذی‌حقی که در مقوله فرزندآوری وجود دارد، جامعه و مصالح آن است. در قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۱ به این مهم توجه نموده و در ماده ۲۳ و تبصره آن زوجین را به انجام آزمایش‌هایی جهت تشخیص بیماری‌های واگیردار برای زوجین و فرزندان الزام نموده است. در تبصره همین ماده در صورتی که زوجین حامل بیماری‌های خطرناک برای جنین باشند، مراقبت و نظارت باید شامل منع تولیدمثل گردد. اگرچه این ماده یک نوآوری و توجه به همه افراد خانواده و نیز جامعه است، اما بعد از گذشت ۷ سال از تصویب این قانون، همچنان شاهد ابهامات و نیز مشخص نبودن راهکار مناسب از سوی مقامات ذیصلاح هستیم. با این اوصاف تمام تلاش نگارنده بر این است که با تکیه بر اصول حقوقی و نیز با تمسک به قاعده لا ضرر و نیز نظم جامعه به تبیین درست از حق فرزندآوری برسد تا بتوانیم در آینده نه‌چندان دور شاهد تولد کودکان سالم باشیم.

مقدمه

تسکین برای اعضای خانواده، برپایی سنت پیامبر، حفظ دین، تعدیل در احساسات نفسانی، تولید نسل و... باشد. در هر دوره‌های فرزند دار شدن به‌عنوان محرکه‌های اصلی برای ایجاد یک زندگی و تشکیل خانواده محسوب می‌گردید، با این وجود

خانواده یکی از نهادهای مهم در همه جوامع محسوب می‌شود که از دو جنس مخالف، باسلیقه‌های متفاوت، برای رسیدن به اهداف مشترک تشکیل می‌شود که اهداف آن‌ها می‌تواند؛ ایجاد

برای زوجین و کودکان یاد می‌کند و در تبصره همین ماده در صورت خطرات جبران‌ناپذیر برای نسل آینده، راهکار منع تولید نسل را ارائه می‌دهد. اگرچه گامی مؤثر در جهت کاهش کودکان ناتوان و توجه به حقوق آنان است، اما صرف بیان مسئله کفایت نمی‌کند و در آیین‌نامه‌های مربوط، به مراقبت‌های قبل از ازدواج برای زوجینی که در معرض خطر هستند اکتفا کرده و نسبت به مراقبت‌های بعد از ازدواج و نیز در حین باروری راهکاری ارائه نداده است. باتوجه به مطالب گفته شده اگرچه توجه به این مطلب حق کودکان و جامعه را پوشش می‌دهد، اما همچنان نیازمند ارائه راهکارهای مناسب از سوی مقامات ذیصلاح برای رفع هرگونه ابهام در این قانون هستیم.

۱- مفهوم و صاحب و ماهیت حق فرزند آوری

خانواده برای رسیدن به اهداف مختلف ایجاد می‌گردد؛ که آن اهداف برحسب زمان‌ها و مقتضیات تغییر پیدا می‌کند و تأثیرات این مؤلفه‌ها را می‌توان در طول تاریخ به‌وضوح مشاهده نمود؛ برای مثال بر اساس ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی اصلاحی ۱۳۸۱ سن ازدواج برای دختران ۱۳ و برای پسران ۱۵ قرار داده شده، اما همین ماده قبل از اصلاح، عقد نکاح قبل از بلوغ را با اجازه ولی صحیح می‌دانسته و این تغییر نشان می‌دهد که هدف اولیه نکاح آرامش در کنار همسران است و نیز فهم متقابل برای ساختن یک زندگی سراسر عشق و دوستی و همراه با فداکاری است و هدف ازدواج فقط افزایش نسل و نگاه ابتدایی به مسائل جنسی نیست. بااین‌وجود در اعصار گذشته فرزند دار شدن از مؤلفه‌های اصلی برای داشتن یک زندگی پویا بوده؛ چراکه فرزند نقش تولیدی را در خانواده بازی می‌کرده و فرزند بیشتر، نیروی کار بیشتر و درنهایت تولیدات بیشتر بوده است اما امروزه با صنعتی شدن جوامع و رفتن خانواده‌ها به سمت خانواده هسته‌ای این نگاه و این نقش برای فرزندان رفته‌رفته به فراموشی سپرده شد، (Azazi, 2008: 10)

– حق فرزند آوری

اگرچه فقها آن را ذات نکاح نمی‌دانند اما در رابطه با جلوگیری از فرزند آوری جانب احتیاط را گرفته‌اند چراکه امتداد نسل و جلوگیری از انقراض بشری از اصول پذیرفته شده در هر جامعه و اعتقادی می‌باشد و فرزند خواهی از وجوه مشترک انسان‌ها در همه‌ی دنیا محسوب می‌گردد. چراکه هر فردی دوست دارد از وجود خود فرزند در این عالم خاکی به یادگار بگذارد. باید این نکته را اشاره کنیم که اگرچه جهانیان به فرزند آوری اهتمام ورزیده‌اند اما آن را به‌عنوان بخشی از آزادی‌های والدین می‌دانند و در اعلامیه‌های حقوق بشری همه افراد جامعه را برابر می‌شناسند و هرگونه مداخله خودسرانه در قلمرو خصوصی و خانوادگی را منع کرده و تصمیم‌گیری در رابطه با تعداد و فاصله سنی فرزندان، بهداشت باروری، حق سقط‌جنین، حق تنظیم خانواده، رهایی از عقیم‌سازی اجباری و... را آزاد می‌دانند؛ و همه افراد می‌توانند از این حق استفاده کنند و هیچ معنی نه در قانون ما و نه اعلامیه‌های حقوق بشری به چشم نمی‌خورد و زوجینی که دارای مشکلات ژنتیکی هستند، از این قوانین مستثنا نبوده‌اند. اگرچه فرزند دار شدن و حتی زمان و تعداد آن از حقوق پذیرفته شده برای زوجین محسوب می‌شود؛ اما این مطلق‌گویی و نیز وسعت مصداق، باعث نادیده گرفتن حقوق ابتدایی کودکان آینده می‌شود. نباید از نظر دور داشت که کودکان بی‌دفاع‌ترین و آسیب‌پذیرترین گروه‌های هر جامعه هستند. بااین‌وجود اگرچه علم ژنتیک به‌عنوان علمی نو برای شناخت و کاهش معلولیت در افراد است؛ اما همچنان شاهد تولد کودکان ناتوان در عصر کنونی هستیم و بر اساس آمار سازمان بهداشت جهانی بیش از یک میلیارد نفر با نوعی از معلولیت در سراسر جهان زندگی می‌کنند و بر اساس این آمار کودکانی که از خانواده‌های فقیر و کسانی که در اقلیت‌های قومی زندگی می‌کنند، معلولیت‌های بیشتری را تجربه می‌کنند. اگرچه قانون‌گذار نسبت به این مطلب بی‌تفاوت نبوده و در سال ۱۳۹۱ در ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده به این مهم پرداخته است و در این ماده هدف از گواهی سلامت را شناخت بیماری‌های خطرناک و واگیردار

فرزند آوری در لغت با واژه‌هایی چون تولیدمثل و تولید نسل و نیز باروری همپوشانی دارد تولیدمثل در کتب لغت معادل زادوولد کردن پدید آوردن و فرزند آوری است و آن را ادامه دودمان موجودات زنده تعریف کرده‌اند، (Dehkhoda, 1962: 1770)

در اصطلاح پزشکی تولیدمثل فرآیند ترکیب گامت های^۱ زن و مرد است، (Qaini and Moinifar, 2013: 42).

و در فقه فرزند آوری را با واژه استیلاذ بیان می‌دارند و از آنجایی که در باب استفعال است به معنی طلب فرزند و بچه خواستن است و در فقه به معنی یک توانایی بالقوه نیز تعریف شده که انسان توانایی باردار شدن و باردار کردن رادارند، (Dehkhoda, 1962: 4609)

و در ادامه حق تولیدمثل را برخی نظریه‌پردازان حقوقی این‌گونه تعریف می‌کنند: «حق تولیدمثل حقی است برای کنترل نقش خود در تولیدمثل، مگر اینکه دولت دلیل مناسبی برای ممانعت از اعمال این حق ارائه دهد»، (Qaini and Moinifar, 2013: 43).

سازمان بهداشت جهانی حق باروری را این‌گونه تعریف کرده است: «حقوق باروری بر مبنای به رسمیت شناختن حق اساسی تمام افراد و زوجین برای تصمیم‌گیری آزادانه و مسئولانه درباره تعداد، فاصله سنی و زمان بچه‌دار شدن و داشتن اطلاعات و وسایل کافی برای تحقق این امر و حق دستیابی به بالاترین استانداردهای بهداشت جنسی و باروری تعریف می‌شود این حقوق شامل حق تمامی افراد برای تصمیم‌گیری درباره باروری به‌دوراز هرگونه تبعیض، اجبار و خشونت است». باتوجه‌به تعریف مذکور، سازمان بهداشت جهانی فرزند آوری را حق همه افراد از جمله زوجین می‌داند و از این منظر همه افراد چه در قالب ازدواج و چه غیر آن حق فرزند دار شدن رادارند و هیچ ارگانی نمی‌تواند وارد حریم

صاحب حق فرزند آوری

۱. حق زوجه

در اینکه صاحب حق در فرزند آوری در بین زوجین کیست؛ نظر صریحی در این رابطه وجود ندارد بر همین اساس فقها به‌طور صریح این حق را به زوج یا زوجه نداده‌اند؛ اما در قالب مباحثی چون؛ عزل و فسخ و برخی از بیماری‌ها به این نکته اشاره کرده‌اند. برخی بر این نظر هستند که فرزند دار شدن حق زوجه است و زوج هیچ حقی برداشتن یا نداشتن فرزند ندارد و این زن است که تصمیم می‌گیرد، (Yazdi, 1999: 498).

در فقه این نظر طرفدارانی دارد؛ هم چون شهید ثانی که این حق را به زوجه می‌دهد و در ذیل عزل منی بیان می‌دارد که علت تحریم عزل استیلاذ است: «و يظهر من الاخبار ان النهی کراهه و تحریم لحکمہ الاستیلاذ و ان الحق فیہ للمراه»، (Ameli, 1995: 65)

و در اینجا باتوجه‌به واژه (الحق فیہ للمراه) نشان از انحصار این حق بر زن است، (Mohagheq Damad, 2010: 14).

اگر زوج برخلاف شرط و بدون رضایت زوجه عزل کرد، بر اساس اصل برائت تکلیفی بر ذمه زوجه نیست، (Ameli, 1995: 70)

^۱گامت (به انگلیسی: Gamete) یک سلول تخصص‌یافته است که مسئول تولیدمثل جنسی است. گامت‌ها معمولاً حاوی نصف کروموزوم جانداري که از آن ایجاد شده‌اند، هستند. به زبان دیگر، نصف ماده ژنتیکی مورد نیاز برای شکل‌دهی و ایجاد یک جاندار کامل رادارند.

باروری می‌توان آن را حق زوجه دانست، (Abbasi et al., 2014: 93).

۲. حق زوج

برخی بر این نظر هستند که فرزند آوری از حقوق زوج است و تصمیم‌گیرنده برای داشتن و یا نداشتن فرزند، زوج است. فقها هم در ذیل موضوع عزل و نیز ذیل حکم ابزار جلوگیری از باروری در این رابطه بحث کردند. آیت‌الله خویی در کتاب النکاح خود در رابطه با عزل زن بیان می‌دارد: «منعها من الانزال فی فرجها فالظاهر حرمته بدون رضا الزوج فانه منافی للتمکین الواجب علیها» ایشان عزل زن را حرام می‌داند و عنوان ناشزه را بر آن بار می‌کند. صاحب عروه نیز بر همین نظر است، (Khoei, 1983: 141).

فقها برای اثبات ادعای خود به روایتی که عبدالرحمن از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند استناد می‌کند که از حضرت در رابطه با عزل سؤال شد و امام فرمودند: «ذلک الی الرجل» و یا صحیحه محمدبن مسلم که از امام صادق علیه‌السلام در رابطه با عزل پرسیدند و حضرت فرمود: «ذاک الی الرجل یصرفه حیث یشاء». در قوانین داخلی تنها در رابطه با بیماری قرن که امکان فسخ نکاح را برای زوج فراهم می‌آورد، برخی بر این نظر هستند که قرن مانع باروری می‌شود برای همین از عوامل فسخ نکاح است، اگرچه به‌صرف این ماده نمی‌توان به‌حق انحصاری فرزند آوری برای زوج رسید چراکه در رابطه با عوامل فسخ نکاح برای زوج نیز مواردی هم چون خصا ذکر شده و به عقیده اکثر فقها مانع فرزند آوری می‌شود، (Lamiyan et al., 2013: 38).

۳. حق زوجین

فرزند از بدو تولد و حتی قبل‌تر، در دوران جنینی مسئولیت‌های مالی و غیرمالی و تکالیف سنگینی را بر والدین بار می‌کند؛ بنابراین نمی‌توان حق داشتن فرزند و تصمیم‌گیری در رابطه با آن را منحصر در زوج و یا زوجه دانست و موجب اضرار دیگری شد. همان‌طور که غزالی بیان داشته؛ نطفه فقط

محقق کرکی نیز علت ممنوعیت عزل را فرزند آوری و عزل را مخالف با حق زن می‌داند، اکثر فقها کراهت یا حرمت عزل را درجایی در نظر می‌گیرند که ضمن عقد، عزل شرط نشده باشد یا زن نیز به این عمل راضی نباشد و راضی بودن یا نبودن زوجه شرط است و اگر راضی نباشد و مرد عزل کند برخی به کراهت و برخی به حرمت حکم کرده‌اند، (Najafi, 1987: 111).

با این‌همه نشان می‌دهد که حق فرزند دار شدن برای زوجه است؛ چراکه رضایت بر عزل به دست زوجه است و حتی برخی از فقها پرداخت دیه از طرف زوج برای زوجه را ضمانت اجرای عزل بدون رضایت او در نظر می‌گیرند. علاوه بر استیلااد برخی عزل را مخالف با تلذذ زن می‌دانند چراکه انزال سبب لذت زن از رابطه است و این از حقوق اوست و برخی در موارد فسخ نکاح از سوی زوجه همچون خصا بر این نظر هستند که علت اصلی آن عدم فرزند آوری است نه عدم توانایی بر رابطه جنسی چراکه در خصا مرد توانایی برقراری رابطه را دارد و آن چیزی که مفقود است توانایی باروری است. در سند نکاحیه در یکی از بندهای مربوط به شروط ضمن عقد نکاح عدم توانایی فرزند آوری زوج را از مواردی می‌دانند که زوجه می‌تواند به وکالت طلاق را جاری کند. ولی بازهم نمی‌توان این بند را دلیلی بر حق بودن فرزند آوری برای زوجه در نظر گرفت چراکه در قانون مرد این توانایی را دارد که با رعایت تشریفات قضایی، همسر خود را طلاق دهد و این زن است که برای طلاق نیاز به دلیل دارد برای همین و برای تسهیل درجایی که امکان اثبات عسر و حرج آن سخت است در سند نکاحیه برخی از شروط به‌صورت ثابت بیان شده است. در قوانین بین‌المللی نیز منطوقی در رابطه با فرزند آوری یافت نمی‌شود اما از کلیت برخی از مواد می‌توان این برداشت را کرد که این حق مختص زوجه است نه زوج؛ و حق باروری به معنی خاص، ناظر به زنان است و با در نظر گرفتن حق سقط‌جنین و ارتباط آن با حق

زوجه، دیگری متحمل ضرر مادی و معنوی نشود. مگر اینکه ضمن عقد هریک از طرفین داشتن و یا نداشتن فرزند را شرط نماید که در این صورت عمل به شرط اولویت دارد؛ (Momeni, 2021: 18)

اگر هدف از نکاح فرزند دار شدن باشد این هدف برای هر دو آنان است. با همه این موارد در فقه نیز فقهای هستند که فرزند دار شدن را حق هر دو می‌دانند برای همین عزل از سوی زوج بدون رضایت زوجه را موجب ثبوت دیه برای زوج و عزل از سوی زوجه بدون رضایت زوج را موجب ثبوت دیه برای زوجه می‌دانند، (Najafi, 1991, vol. 29: 111).

۲- مبانی حق فرزند آوری

یکی از مهم‌ترین اهداف تشکیل خانواده تولید و بقای نسل است که بقای نسل می‌تواند به دلایلی چون حفظ بقا و ادامه نام خانوادگی، رفع یکنواختی زندگی، معنا بخشیدن به زندگی، تحکیم روابط زوجین، دستورات قومی و مذهبی بستگی داشته باشد، (Roshan and Ghadiri, 2013: 80).

اما تمایل به داشتن فرزند در هر جامعه‌ای امری ثابت است. اگرچه انگیزه اصلی هر فرد در فرزند دار شدن متفاوت باشد. اهمیت فرزند آوری به اندازه ایست که برخی مردم شناسان ماهیت خانواده را منحصر در همین امر دانسته‌اند و برخی دیگر تنها کارکرد خانواده را در همین امر می‌دانند، (Hikmatnia, 2012: 78).

- مبانی اقتصادی حق فرزند آوری

در دوره‌های ابتدایی افراد بیشتر به دنبال فراهم کردن نیازهای اساسی خود بودند چراکه مواد اولیه به صورت امروزه راحت در اختیار آنان قرار نمی‌گرفت و افراد به صورت گروهی به حل مشکلات اساسی خود می‌پرداختند ابتدا که زندگی‌ها به صورت گسترده بود، افراد با ازدواج از خانواده ابتدایی جدا نمی‌شدند و پدر یا پدربزرگ رئیس آن خانواده محسوب می‌شدند و برای آینده آنان تصمیم می‌گرفتند، این نوع از خانواده دو ویژگی عمده داشتند، اول اینکه؛ شامل ۳ نسل و بیشتر بودند که باهم در زیر یک سقف زندگی می‌کردند بر محور تولیدی-مصرفی ادامه می‌داند و دوم اینکه تمرکز قدرت در دست پدر خانواده و انتقال آن به پسر ارشد بود. (Azazi, 2008: 9).

این نوع از خانواده‌ها خود به صورت یک اجتماع بودند که برای رسیدن به هدف مشترک تلاش می‌کردند و منطقی‌اً برای رسیدن به تولیدات بیشتر نیازمند نیروی کار بیشتر نیز بودند بر همین اساس هدف اول برای ازدواج، فرزند آوری بود، فرزند

از منی مرد به وجود نمی‌آید و از الحاق مایع مرد و خون قاعدگی زن در رحم زن یک فرزند ایجاد می‌شود، (Momeni, 2021: 18)

اگر هدف از نکاح فرزند دار شدن باشد این هدف برای هر دو آنان است. با همه این موارد در فقه نیز فقهای هستند که فرزند دار شدن را حق هر دو می‌دانند برای همین عزل از سوی زوج بدون رضایت زوجه را موجب ثبوت دیه برای زوج و عزل از سوی زوجه بدون رضایت زوج را موجب ثبوت دیه برای زوجه می‌دانند، (Najafi, 1991, vol. 29: 111).

و یا برخی از فقها نیز شرط استیلا در ضمن عقد نکاح را برای زوجین در قالب شرط صفت پذیرفته‌اند و برای مشروط له در صورت تخلف مشروط علیه خیار تخلف از وصف را در نظر گرفته‌اند و در این رابطه صاحب جواهر نیز شرط فرزند آوری را هم برای زوج و هم زوجه در نظر می‌گیرد، (Najafi, 1991, vol. 29: 384).

در قوانین داخلی در رابطه با موضوع خاص فرزند آوری ساکت است، اما می‌توان مسئولیت والدین، در برابر فرزندان همچون حضانت که بر اساس قانون، حق و تکلیف والدین محسوب می‌شود را دلیلی بر حق بودن فرزند آوری برای زوجین دانست. در قرآن نیز در آیه ۲۳۳ سوره بقره^۲ والدین را در برابر کودکان مکلف می‌داند و برای هریک وظایفی در نظر می‌گیرد و حتی برای گرفتن از شیر قبل از دو سال خدای متعال سفارش به مشورت و تعامل با یکدیگر می‌کند که نه به ضرر والدین شود و نه مصلحت کودک پایمال گردد. باتوجه به مطالب گفته شده و از آنجایی که فرزند چه خواسته و چه ناخواسته برای والدین تکالیفی به وجود می‌آورد و گاه می‌تواند بسیار زیاد باشد؛ برای همین تصمیم‌گیری در رابطه با این مسئله حق هر دو طرف است که بر اساس تصمیم زوج یا

^۲ وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمِّيَ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارُّ وَالِدَةُ الْوَالِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِيهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تُسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ.

در خانواده‌های شکل گسترده همسرگزینی به شدت تحت تأثیر فشار اجتماعی بوده و در آن جوامع فردیت معنی نداشته و افراد به سنی که می‌رسیدند بزرگ خانواده برای آن‌ها همسر مناسب را پیدا می‌کرد و در آن دوره کمتر افرادی را می‌بینیم که بر اساس عشق یا عناوینی از این قبیل با یکدیگر ازدواج کنند. در رابطه با اهداف ازدواج نظرات مختلفی وجود دارد طرفداران میل جنسی اعتقاد دارند که هدف اصلی زناشویی شکل حقوقی و رسمی دادن به محرکات غریزی است. برخی نیز هدف زناشویی را تولیدمثل و پرورش فرزندان برای آینده بهتر جامعه معرفی می‌کنند و ایجاد رابطه را برای رسیدن به هدف بالاتر که همان داشتن فرزند است قرار می‌دهند. در برخی از جوامع چنان بر فرزند آوری تأکید می‌کنند که ازدواج بدون آن را غیرقابل‌پذیرش و عملاً ملغی می‌دانند. برای همین نوعی خاصی از طلاق که به طلاق ارتجالی یا خودبه‌خود معروف است در آن دوره مرسوم بوده که بعد از مدتی خاص چنانچه ازدواجی به فرزند آوری منتهی نشد، هریک از طرفین بدون نیاز به فسخ، قرارداد تازه‌ای برای زوجیت با دیگری منعقد کند، (Sarukhani, 1991: 32).

در کل می‌توان گفت پذیرش به استیلا بدست به جامعه‌ای است که فرد در آن زندگی می‌کند. هر فرد برای تصمیم‌گیری در انجام هر عملی به نظرات دوستان گروها والدین و به‌طور کلی جامعه توجه زیادی نشان می‌دهد و اگر فرد در انجام کنش خاص مثلاً فرزند آوری از پذیرش اجتماعی بالای آن خبردار باشد خواسته یا ناخواسته به آن تن درخواهد داد و بالعکس. همچنین در جوامعی که پذیرش دینی بیشتر باشد نگاه به فرزند آوری بیشتر است. برخی صاحب‌نظران بر این نظر هستند که: در جامعه فعلی زندگی روزبه‌روز مادی شده و در اثر این تحول خانواده نیز همانند دیگر نهادها از حالت ابتدایی خود فاصله گرفته و به شکل جدیدی دست پیدا کردند؛ یکی از این نوع تغییرات، تغییر در نوع نگرش مذهبی و اعتقادی است و بر این عقیده هستند که در جامعه‌ای که از نفوذ اعتقادات مذهبی

بیشتر یعنی نیروی کار بیشتر در این دوران سن ازدواج پایین بود؛ چراکه امکان فرزند آوری را هر چه بیشتر فراهم می‌کرد و روسای این خانواده‌ها تمام راهکارهای موجود را فراهم می‌کردند تا بتوانند فرزندان بیشتری داشته باشند و در آن دوران همه‌ی کار یک زندگی به دست رئیس خانواده انجام می‌شده یعنی خانواده هم نقش تولیدی هم نقش مذهبی و نیز یک ارگان حمایتی برای کودکان و سالمندان محسوب می‌شد؛ اما با گذشت زمان این وظایف از خانواده‌ها به ارگان‌های دولتی و یا خصوصی واگذار شد؛ و در آن دوره تولید برای همان خانواده‌ها و افراد بود و آنان به‌طور مستقیم از آن سود می‌جستند. با پیشرفت فناوری و نیز صنعتی شدن جوامع نیاز به فرزند بیشتر، کاهش یافت؛ چراکه با صنعتی شدن جوامع به نیروی کار کارآمد جهت پیشبرد اهداف صنعت نیاز بود که این مهم توسط کودکان انجام‌پذیر نبود و والدین باید هزینه‌های فرزندان را تا سنین بالا بر عهده می‌گرفتند. پس نشان می‌دهد فرزند آوری در ابتدا نه بر اساس یک نیاز عاطفی بلکه بر اساس نیازهای اقتصادی صورت می‌گرفت که اجتماع به آن نیاز داشت ولی با پیشرفت جوامع از آنجایی که کودکان نیروی کارآمد محسوب نمی‌شوند تمایل به داشتن فرزندان بیشتر نیز کاهش یافت و علاوه بر آن در معاهداتی که برای حمایت از کودکان نوشته‌شده کار کردن کودکان در سنین پایین را محکوم می‌کنند و کودکان تا سنین بالا باید توسط والدین و دولت‌ها از نظر مالی و اجتماعی مورد حمایت قرار گیرند، (Moltaft, 2013: 23).

– مبانی اجتماعی حق فرزند آوری

نوع نگاه هر جامعه و فرهنگ نسبت به خانواده متفاوت است به عواملی چون صنعتی شدن بروز و ظهور فناوری در آن جامعه سنت‌های حاکم در آن منطقه و ایدئولوژی و... بستگی دارد و برای شناخت اینکه هدف هر فرد برای تشکیل خانواده چیست باید به این دلایل توجه کرد؛ و یکی از موضوعات مهم و دائمی در عرصه خانواده، فرزند دار شدن است. نوع نگرش افراد تحت تأثیر رویکردهای اجتماعی قرار می‌گیرد برای نمونه

با فرزند دار شدن به بالاترین درجه از اطمینان و ثبات خود می‌رسد. (Qaini and Moinifar, 2013: 237).

کاسته شود طبیعی است که میزان باروری در آن جامعه کمتر است.

– مبانی فردی حق فرزند آوری

باتوجه به صنعتی شدن جوامع و فاصله گرفتن از افکار دینی شاهد عدم تمایل به فرزند آوری هستیم و در این دوره دیگر رویکرد اقتصادی صرف محرک محسوب نمی‌شود، اگرچه می‌توان یکی از علل عدم تمایل به فرزند آوری را هزینه‌بردار بودن و عدم اعتماد و امید به آینده نام برد؛ اما دلیلی که همچنان با همه‌ی این مشکلات زوجین را ترغیب به استیلا می‌کند داشتن عشق به فرزند است که انسان می‌تواند موجود زنده را در درون خود پرورش دهد و این موجود جز ساختار وجودی آن‌ها محسوب می‌شود و می‌توان گفت وجه مشترک همه دوران همین حس مادری و پدری است که فطری و ذاتی در درون هر فرد جایگذاری شده است. در قرآن در آیه ۴۶ سوره کهف^۳ اگرچه این آیه در نگاه اول به دو رکن اساسی یک جامعه یعنی مال و نیروی انسانی تأکید می‌کند؛ اما برخی مفسرین در تفسیر آیه بر این عقیده هستند که خداوند، میل و رغبت به فرزند را در درون هر انسان قرار داده و انسان خودش را با آن زینت می‌بخشد و این رغبت؛ یک امر فطری است، (Tabarsi, 1994: 351).

دعاهایی که افراد برای داشتن فرزند می‌کنند نشان از جایگاه فرزند و فطری بودن فرزند خواهی است و یکی از برطرف‌کننده‌های نیاز اساسی انسان است، (Samani et al., 2017: 183).

در آیه ۲۱ سوره روم^۴ اگرچه از نظر علمای شیعه رحمت به معنی فرزند نیست و آیه در رابطه بیان منت خداوند بر روی بندگانش است؛ اما مودت و رحمتی که با نکاح حاصل می‌شود

۳- حق فرزند آوری در مقررات داخلی

در مقررات داخلی به‌طور صریح از حق استیلا بحثی به میان نیامده اما می‌توان رگه‌های آن را در فسخ نکاح، ماده‌واحد سقظ درمانی، ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده و نیز قوانینی که در رابطه آزمایش‌های قبل ازدواج هست، یافت. در ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی^۵ از عیوب مختص مرد که برای زن حق فسخ ایجاد می‌کند نام می‌برد. اولین موردی که نام می‌برد خصاء است در تعریفی که از خصا آورده شده «کشیده شدن خصیه است، مردی که چنین صفتی را داشته باشد خصی گویند».

(Mohagheq Damad, 2000: 348).

از نظر فقهی کسی که به این بیماری مبتلا است توانایی برقراری رابطه را دارد، چراکه در روایت برای کسی که با همسرش رابطه برقرار کرده باشد و بعد رابطه، زوجه متوجه خصا شود، زوج باید تمام مهریه را به زوجه پرداخت کند. در شرایع الاسلام نیز در فرضی که زوجه بعد از رابطه متوجه خصا شده باشد کل مهر بر ذمه زوج قرار می‌گیرد. برخی آن را مخالف با غرض نکاح می‌دانند و بر اساس ضروری که برای زوجه فراهم می‌شود و نیز عدم تناسل قائل به فسخ نکاح حتی بعد از رابطه هستند. افرادی همچون شیخ طوسی خصا را مجوزی برای فسخ نمی‌دانند چراکه عدم انزال را عیب نمی‌دانند، (Tusi, 2009: 57).

دلایل این گروه اصل لزوم و تداوم نکاح و اینکه دلایل وارده به قبل از عقد برمی‌گردد، (Naseri Moghadam and Namdari Musa Abadi, 2012: 70).

در ماده ۱۰۴۰ قانون مدنی ارائه گواهی سلامت را برای قبل از ازدواج الزامی می‌داند اگرچه مواردی که در این ماده ذکر شده

^۳ «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أُمَّلًا».

^۴ «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ».

^۵ ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی؛ عیوب زیر در مرد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود: (۱) خصاء (۲) عنن به شرط اینکه ولو یکبار عمل زناشویی را انجام نداده باشد، (۳) مقطوع بودن آلت تناسلی به اندازه‌ای که قادر به عمل زناشویی نباشد.

با مصالح می‌داند و به معنی ضد فساد و مقابل فساد است، (Johari, 1986: 383).

در مجمع البحرین نیز مصلحت به معنای ضد فساد و خیر معنا شده است، (Al-Tarihi, 1987: 625).

در لسان العرب نیز به همین معنی بکار رفته است، (Ibn Manzoor, 1984: 516).

معنی اصطلاحی آن نیز جدای از معنی لغوی نیست؛ برخی آن را به معنی هر آنچه مقصود شارع است می‌دانند، (Al-Hakim, 2008: 365).

چراکه احکام الهی تماماً بر پایه جلب نیکی و خیر وضع شده است. غزالی در تعریف مصلحت آن را جلب منفعت و دفع مضرت می‌داند اما دفع مضرتی و جلب مصلحتی ملاک است که مقصود شارع باشد و از آن نظر محافظت نماید، (Ghazali, 2008: 140).

محقق خوبی مصلحت را از سنخ منفعت و مفاسد را از سنخ مضرت نمی‌داند و احکام شرعی تابع مصالح و مفاسد است نه منافع و مضاربه همین دلیل در بسیاری از واجبات شرعی از قبیل زکات، خمس، حج و جهاد ضرر مالی یا جانی وجود دارد، چنانچه در بخشی از محرمات، منفعت مالی یا بدنی است. انسان بالطبع اجتماعی است بر همین اساس اجتماعی بودن یک غایت کلی و عمومی است که طبیعت انسان بالفطره به سوی آن روان است، (Motahari, 1993: 20).

بر اساس آیه ۱۳ سوره حجرات نشان از این است که اجتماعی بودن در بطن آفرینش انسان گنجانده شده است؛ و این اجتماع در هر دوره به تناسب توانایی‌های فرد برای او بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود و اولین شرط حضور افراد در آن پذیرش قوانین و قبول تکالیف و مسئولیت‌های خود و نیز نقش خود در پیشبرد اهداف یک کل همان جامعه هست می‌باشد و در این مسیر نیازمند یک سازمانی هستیم که تکالیف هر فرد را معین نماید و قوانین را در هر زمان خاطر نشان کند تا با جنگلی از هرج و مرج روبه‌رو نباشیم. انسان‌ها از همان ابتدای زندگی با دو اجتماع یعنی خانواده و جامعه روبرو هستند.

از جمله موارد مسری است که ابتدا زوج یا زوجه را تحت الشعاع قرار می‌دهد، اما مواردی که در این ماده احصا شده تمثیلی است و در هر دوره بر اساس مقتضیات زمان می‌توان مواردی را بر آن افزود برای نمونه تصویب‌نامه هیئت‌وزیران مورخ ۱۳۷۶/۱/۱۰ آزمایش تشخیصی ناقلین تالاسمی در قبل ازدواج را الزامی کردند؛ و یا در ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در این ماده علاوه بر بیماری‌های واگیردار و خطرناک برای زوجین بیماری‌های خطرناک برای فرزندان نیز بر آن افزودند؛ و این نشان از اهمیت قانون‌گذار و توجه بیشتر به نسل سالم است که در تبصره همین ماده در صورتی که این بیماری خطرناک به نسل بعدی آسیب وارد کند مراقبت و نظارت باید شامل منع تولیدمثل شود و اولویت سلامتی جنین بر خواسته زوجین در این موارد مقدم می‌شود. سقط درمانی در ماده واحده مربوط به سقط جنین، در صورتی که پزشک متخصص تأیید کند که بیماری جنین موجب حرج مادر شده یا بیماری مادر جان او را در معرض خطر قرار می‌دهد، با رضایت خود مادر قبل ۴ ماهگی می‌توان جنین را سقط کرد و در این ماده واحده فقط به سلامتی مادر برای مجوز سقط جنین توجه کرده چراکه در مواردی جان مادر در معرض خطر باشد اولویت نجات جان اوست و یک فهم عقلی است و نمی‌توان آن را تعمیم داد به حق فرزند آوری برای زوجه، (Katoozian, 1394: 689).

۴- مصلحت جامعه و حق فرزند آوری

مصلحت از جمله عناوینی است که در همه اعصار به آن توجه شده و حتی فقهای اهل سنت مصلحت را یکی از راه‌های کشف حکم می‌دانند فلذا ابتدا برای شناخت بهتر آن نیازمند تعریف درست آن هستیم: در صحاح سته^۱ مصلحت را مرادف

^۱ صحاح سته، عنوان شش مجموعه بزرگ از کتب حدیثی معتبر در نظر اهل سنت است. این کتاب‌ها نزد اهل سنت اعتبار بسیاری دارند؛ به گونه‌ای که پس از قرآن کریم مهمترین منابع دینی آنان به شمار می‌رود. هر چند تنها دو کتاب با عنوان صحیح و چهار کتاب دیگر، با عنوان سنن است، اما به همه آنها صحاح به (معنای صحیح‌ها) گفته می‌شود. این منابع عبارتند از صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی‌داوود، سنن ابن‌ماجه، سنن ترمذی و سنن نسائی.

همیشه آنان درصدد رهایی از حکمرانی بی‌قید و شرط دولت‌ها بوده‌اند، اما مجبور به پذیرش زندگی در کنار آنان، البته با قبول شرایطی برای دو طرف می‌باشند. نکته بسیار مهم که در اینجا وجود دارد این است که همواره افراد درصدد رسیدن به اهداف خود هستند و سود شخصی برای آنان اولویت دارد برخی بر این نظر هستند که انسان، حیوانی است که تنها به دو انگیزه هر کاری را انجام می‌دهد، ترس یا سود شخصی و در ادامه، آنان انسان‌ها را به حیوانات تشبیه کرده‌اند که زور موجب حق است، بنابراین تنها وسیله قابل‌تصور برای رسیدن به هرگونه نظمی درصحنه پراشوب و منازعه آمیز اراده‌های بشری، زور است، (Bayat Komitaki and Balvi, 2015: 128).

شاید بتوان گفت که انسان‌ها بالطبع خواهان آرامش برای محیطی که در آن زندگی می‌کنند می‌باشند و با هرگونه منازعه و بی‌قانونی روی گردانند اما نمی‌توان نفع شخصی افراد را در این مورد نادیده گرفت و انسان یک موجودی دوگانه با جمع اضرار است که هم صفات خیر را در خود جای می‌دهد و هم صفات شر و نمی‌توان صفات خیر را نشاءت گرفته از ذات و فطرت او و صفات شر را مربوط به جامعه دانست چراکه جامعه نیز جدای از انسان نیست. بر همین اساس انسان نیازمند یک نظامی است تا قوانین و حقوق را یادآور شود و گاهی او را برای پذیرش آن اجبار و یا در صورت تعدی به آن مجازات نماید. در همین راستا افراد دارای یکسری حقوقی می‌باشند که در مقام امتثال با حقوق و نفع دیگر افراد در تراحم هست، (Hemti et al., 2012: 27).

نتیجه‌گیری

خانواده با اجتماع دو جنس مخالف شروع و با تولد فرزندان به اوج شکوفایی خود می‌رسد. فرزند دار شدن حقی است که با انعقاد عقد نکاح برای زوجین ایجاد می‌شود و هیچ ارگانی نمی‌تواند آنان را از این حق محروم کند، چراکه فرزندان نتیجه نیاز به ابقاء نسل والدین است و باتوجه‌به تعریف سازمان بهداشت جهانی و نیز آیه ۲۲۳ سوره بقره و همچنین روایات

موجود، اثبات‌کننده این ادعا است و داشتن فرزند حقی غیرقابل‌انکار برای والدین محسوب می‌شود؛ اما چیزی که موجب اختلاف شده صاحب این حق است؛ که برخی این حق را به زوجه و برخی دیگر به زوج می‌دهند اما باید توجه نمود که فرزند از همان بدو تولد و قبل تولد و حتی قبل‌تر و در دورانی که نطفه‌ای منعقد نشده بود مسئولیت اخلاقی و مادی را بر والدین بار می‌کند و نمی‌توان بدون توجه به یک‌طرف حق فرزند دار شدن را به زوج یا زوجه داد و موجبات اضرار آنان را فراهم کرد؛ چراکه اگر بر اساس قانون سقط درمانی، حق سقط‌جنین نابهنجار را از اختیارات زوجه بدانیم، با رضایت زن به تولد آن کودک، فقط مادر از پس آن ضرر نمی‌کند و موجبات مخاطرات بر کل نظام خانواده و حتی اجتماع را فراهم می‌کند و در این میان جامعه متأثرترین نهادی است که تأثیرات خانواده را در خود جای می‌دهد و کودک نابهنجار به‌طور مستقیم و غیرمستقیم باعث خسران جامعه می‌شود، بر همین اساس نمی‌توان کل خانواده و نیز جامعه را از نظر دور داشت و حق سقط‌جنین نابهنجار را به زوجه داد. باین‌وجود دلیل و مبنای اصلی فرزند آوری در هر دوره، بنا به شرایط خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متفاوت است و هرکدام از عوامل اقتصادی، اجتماعی و حتی مذهبی می‌تواند دلیل مستقل برای ایجاد انگیزه برای فرزند دار شدن و یا نشدن آنان شود. برای مثال درگذشته فرزندان به‌عنوان سرمایه انسانی برای خانواده و نیز متضمن استقلال اقتصادی و گسترده شدن افق آینده اقتصادی خانواده می‌شدند اما در حال حاضر از آنجایی‌که والدین تا مدت‌های طولانی باید هزینه‌های فرزندان را فراهم کنند انگیزه آنان برای داشتن فرزند زیاد، از بین رفت و شاید بتوان گفت که قصد ابتدایی در یک دوره برای داشتن فرزند زیاد، به نیروی کار بوده و در حال حاضر با آن هدف فاصله گرفته و تمایل به داشتن فرزند کمتر بیشتر شده است. دیگر عوامل مؤثر برای فرزند دار شدن محرکه‌های اجتماعی است برای مثال تحقیقات نشان می‌دهد در جوامعی که از نظر دینی استوارتر باشند پذیرششان برای فرزند دار شدن

فرزند دار نشدن موازنه جمعیت برهم بخورد و یا جمعیت مسلمانان به نفع کفار کاهش یابد فرزند دار شدن یک واجب کفایی است تا آسیبی به حاکمیت اسلامی نرسد. با این وجود برخی فرزند آوری را حق بلا منازع والدین می‌دانند و آزادی آنان در فرزند آوری مقید به هیچ قیدی نیست و دولت‌ها نمی‌توانند مانع آزادی‌های آنان شوند اگرچه احترام به والدین و نیکی به آنان در هر دین و آیینی سفارش شده است اما نامحدود بودن اختیارات والدین سبب نادیده گرفتن حقوق ابتدایی کودکان می‌شود. در طرف دیگر سلامت کودکان به عنوان اصل اساسی پذیرفته شده است که در هر حال سلامتی آنان باید در اولویت باشد و برای اثبات این نظر به آیات و روایات و همچنین نظر فقها و نیز به دلایل عقلی همچون قاعده لا ضرر و نیز اهم فالاهم استناد می‌کنند. بر همین اساس اولین ضمانت اجرایی که می‌توانیم در این موضوع اتخاذ نماییم، قبول مسئولیت مدنی والدین در برابر فرزندان است.

بیشتر است. در آثار فقها اگرچه داشتن فرزند به عنوان یک حق یاد نشده، اما در بحث عزل منی فقها به دو گروه تقسیم می‌شوند برخی عزل را حرام می‌دانند و دلایلی چون روایات، اجماع، قصد و هدف نکاح و نیز دیه‌ای که برای عزل در نظر می‌گیرند استناد می‌کنند و برخی آن را مکروه می‌دانند؛ دلایل اصلی آنان روایاتی است که شرط فرزند دار شدن را توسط زوج و یا زوجه صحیح می‌دانند، است. با این همه دلیل متقنی برای حرمت عزل وجود ندارد چراکه روایت مورد استناد شرط فرزند آوری را در ضمن عقد نکاح صحیح می‌داند و در نهایت می‌توان گفت فرزند آوری از اختیارات زوجین محسوب می‌گردد و نمی‌توان بی دلیل آنان را محدود نماییم؛ اما در پاسخ به سؤالی که حکم فرزند آوری چیست می‌توان این گونه پاسخ داد که؛ با توجه به آیات و روایات، فرزند دار شدن یکی از مهم‌ترین حکمت‌های ازدواج محسوب می‌گردد و با این اوصاف در ابتدا یک فعل مستحب است اما اگر در صورت

References

1. Abbasi, Mahmoud, Fatehpour, Ali Akbar, Asghari, Abolfazl. (2014). "The right to have children of couples with genetic disabilities, in international human rights documents and Iran's legal system", *Medical Law Quarterly*, 9th year, number 33.
2. Al-Hakim, Seyyed Mohammad Taghi. (2008). *General principles of jurisprudence*, Qom, Tebian Cultural and Information Institute.
3. Ameli, Zainuddin. (1995). *Masalak al-Afham*, volume 7, first edition, Qom, Al-Maarif al-Islamiya Publications.
4. Azazi, Shahla. (2008). *Sociology of the family with an emphasis on the role, structure and function of the family in the contemporary era*, volume 1, edition 6, Tehran, Roshangaran and Women's Studies Publications.
5. Bayat Komitaki, Mahnaz, Balavi, Mehdi. (2015). "Rereading the doctrine of government expediency in the light of balance theory, *Public Law Research Quarterly*", year 17, number 47.
6. Ghazali, Muhammad bin Muhammad. (2008). *Mustafi*, Volume 1, Qom, Tebian Cultural and Information Institute.
7. Hemmati, Mojtabi, Sadeghian, Hamidreza, Sabeti, Mojtabi. (2013). *Public health and its determinants in the field of public law*, *Quarterly Journal of Islamic Human Rights Studies*, Volume 2, Year 5.
8. Hikmatnia, Mahmoud. (2012). *Women's and family rights*, volume 3, edition 3, Tehran, Islamic Culture and Thought Research Institute Publications.
9. Ibn Manzoor, Abulfazl Jamal al-Din Muhammad Makram. (1984). *Al-Arab Language*, Volume 2, Qom, Adab Publishing House.
10. Johari, Ismail bin Hamad, Ahmad Abdul Ghafoor Attar. (1986). *Al-Sahah*, Volume 1, Edition 4, Al-Cairo, Darul-Alam Lal-Mulayin.
11. Khoei, Seyyed Abulqasem. (1983). *Kitab al-Nikah*, Volume 1, Qom, Dar al-Alam School Publications.
12. Lamiyan, Mei Noor, Mashori Vaiqan, Azar, Haji Mirzaei, Saeeda, Memarian, Zahra, Mohammadi, Nesa, Sam Kan, Zainab. (2013). "Reproductive rights from the perspective of human rights, specialized journal of Iranian women and midwifery", volume 8, number 2.
13. Mohaghegh Damad, Mustafa. (2000). *Jurisprudential and legal analysis of marriage*, 7th edition, Qom, Islamic publishing center.
14. Mohaghegh Damad, Mustafa. (2010). "The condition of having children and its absence", *Medical Quarterly*, Year 2, Number 2.
15. Moltfat, Hossein. (2002). "Investigation of factors affecting the tendency of couples to divorce in Darab city", Master's thesis, Shiraz University.
16. Momeni, S. (2022). 'Criminal Liability for Abetting and Prosecuting a Crime', *Journal of Law and Political Studies*, 2(1), pp. 85-93. doi: 10.22034/jlps.2022.1.6.
17. Momeni, S., Geravandi, F., khosravi, A. (2021). 'Responsibility of effective factors in surgery in Iranian law with a look at the teachings of jurisprudence', *Journal of Law and Political Studies*, 1(1), pp. 1-14. doi: 10.22034/jlps.2021.1.1.
18. Momeni, S., Mirzabeigi, M. (2022). 'The Place of Mortgage and Security in Intellectual Property Rights in Iran', *International Journal of Advanced Studies in Humanities and Social Science*, 11(2), pp. 142-148. doi: 10.22034/ijashss.2022.2.8.
19. Motahari, Morteza. (1993). *An introduction to the Islamic worldview of society and history*, volume 5, Tehran, Sadra Publications.
20. Najafi, Mohammad Hassan. (1987). *Jawaharlal Kalam in the description of Sharia al-Islam*, volume 29, second edition, Tehran, Islamic School Publications.
21. Naseri Moghadam, Hossein, Namdari Musa Abadi, Mazher. (2012). *Jurisprudential legal analysis of the defects of permission to dissolve marriage with an approach according to Imam Khomeini (RA)*, *Imam Khomeini Quarterly*, Volume 14, Number 55.
22. Qaeni, Mohammad, Moini Far, Muhaddeh. (2013). "The concept and examples and the origin of the right of human reproduction and fertility in Islam and ethics and liberal rights", *Iranian Journal of Ethical History of Medicine*, No. 5.
23. Roshan, Mohammad, Ghadiri, Mahro. (2012). "Adoption and the right to the family in the light of the best interests of the child", *Legal Research Quarterly*, Special Issue No. 14.
24. Samani, Leila, Fatahi, Seyed Mohsen, Shakri, Toubi. (2018). "Comparative study of the decision to bear children in public and Imamiyyah jurisprudence with an approach to the purposes of the Shari'ah", *Research Journal of Islamic Religions*, 5th year, 2017, number 9.
25. Sarukhani, Bagher. (1991). *An introduction to the sociology of the family*, third edition, Tehran, Soroush Publications.
26. Tabarsi, Fazl bin Hasan Rasouli. (1994). *Al-Bayan Journal*, Volume 6, Beirut, Publications of Al-Alami Institute for Press.
27. Tarihi, Fakhreddin. (1987). *Majma Al-Bahreen*, Seyyed Ahmad Hosseini, Volume 2, Print 4, Tehran, Farhang Islamic Publishing House.
28. Tusi, Abu Jaafar, Muhammad bin Al-Hassan bin Ali. (2009). *Al-Mabsut*, second edition, Tehran, Heydariieh Publications.

29. Yazdi, Mohammad Kazem. (1999). Al-Arwa Al-Waghti, Volume 5, First Edition, Qom, Islamic Publication Institute.

Copyright © 2022 by SPC ([Sami Publishing Company](#)) + is an open access article distributed under the Creative Commons Attribution License(CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.